
چهل حدیث در
فضائل
امام رضا
علیه السلام


بسم الله الرحمن الرحیم

چهل حدیث در فضائل امام رضا علیه السلام

نویسنده:

موسسه نشر حدیث اهل البیت علیهم السلام

ناشر چاپی:

معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ۵

چهل حدیث در فضائل امام رضا (ع) ۷

مشخصات کتاب ۷

مقدمه ۷

حدیث ۰۱ ۱۲

حدیث ۰۲ ۱۴

حدیث ۰۳ ۱۴

حدیث ۰۴ ۱۴

حدیث ۰۵ ۱۶

حدیث ۰۶ ۱۶

حدیث ۰۷ ۱۷

حدیث ۰۸ ۱۸

حدیث ۰۹ ۱۸

حدیث ۱۰ ۱۸

حدیث ۱۱ ۲۰

حدیث ۱۲ ۲۰

حدیث ۱۳ ۲۲

حدیث ۱۴ ۲۲

حدیث ۱۵ ۲۴

حدیث ۱۶ ۲۴

حدیث ۱۷ ۲۵

حدیث ۱۸ ۲۵

حدیث ۱۹ ۲۷

حدیث ۲۰ ۲۷

حدیث ۲۱ ۲۹
حدیث ۲۲ ۲۹
حدیث ۲۳ ۲۹
حدیث ۲۴ ۳۰
حدیث ۲۵ ۳۰
حدیث ۲۶ ۳۲
حدیث ۲۷ ۳۳
حدیث ۲۸ ۳۳
حدیث ۲۹ ۳۵
حدیث ۳۰ ۳۵
حدیث ۳۱ ۳۵
حدیث ۳۲ ۳۶
حدیث ۳۳ ۳۶
حدیث ۳۴ ۳۷
حدیث ۳۵ ۳۷
حدیث ۳۶ ۳۷
حدیث ۳۷ ۳۸
حدیث ۳۸ ۳۹
حدیث ۳۹ ۳۹
حدیث ۴۰ ۴۰
پاورقی ۴۱
درباره مرکز ۴۵

چهل حدیث در فضائل امام رضا (ع)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: چهل حدیث در فضائل امام رضا علیه السلام/ تدوین موسسه نشر حدیث اهل البیت علیهم السلام؛ با همکاری خانه کتاب ایران

مشخصات نشر: [تهران]: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی، انتشارات، ۱۴۱۵ق. = ۱۳۷۴.

مشخصات ظاهری: ۷۶ ص.۲۰ ۵/۸ Xس.م

فروست: (چهل حدیث ۹)

یادداشت: کتابنامه: ص. ۷۶ - ۷۵؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: اربعینات -- قرن ۱۴

موضوع: علی بن موسی(ع)، امام هشتم، ۲۰۳ - ۱۵۳ ق. -- احادیث

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: موسسه نشر حدیث اهل البیت علیهم السلام

شناسه افزوده: ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معاونت امور فرهنگی

شناسه افزوده: خانه کتاب ایران

رده بندی کنگره: BP۱۴۳/۹ /چ ۲۹ ۹. ش ۴۷۳۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۴-۵۹۵۲

مقدمه

السلام علی غوث اللهفان و من صارت به أرض خراسان، خراسان، السَّلَامُ عَلَی قُرَّهِ عین فَاطِمَه سَیِّدَه نِسَاءِ الْعَالَمِینَ، السلام علی البهجه الرضویه و الأخلاق الرضیه و الغصون المتفرعه عن الشجره الأحمدیه [۱].

سلام بر فریادرس پریشان دلان و (سلام) بر آن که به وجود او سرزمین خراسان، خراسان گشته است، سلام بر روشنی چشم

فاطمه سرور زنان جهانیان، سلام بر آن خشنودی رضوی و آن شاخسار های برآمده از درخت احمدیه.

[صفحه ۴]

بسم الله الرحمن الرحیم

شیعه مفتخر است که همواره فرا راه خویش چراغ هایی نورافشان دارد که مسیر تاریک و ظلمانی زندگانی را بر او روشن می نماید و وی را از لغزش در گردابهای ضلالت رهایی می بخشد. از آن جایی که خداوند زمین را از حجت خویش خالی نساخته و نمی سازد، لذا پس از خاتم انبیاء حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله، درهای یگانه ی امامت را برای هدایت و راهنمایی بشر

برگزیده است و هر کدام در دورانی خاص نورافشانی نموده و برنامه ی الهی خویش را اجرا ساخته اند.

[صفحه ۵]

در تاریخ درخشان شیعه این امر به وضوح دیده می شود که امامان پاک نهاد و برگزیده ی الهی هر کدام، با مأموریتی ویژه و تعیین یافته از جانب حق متعال به تربیت علمی و عملی و دستگیری شیعه پرداخته اند. تا کنون که دوران امامت و عصر غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ آن وجود مبارک به عنوان سکاندار عالم هستی، خورشید وجودش رشد دهنده ی جهان و جهانیان و به ویژه رشد دهنده ی انسانهای طالب کمال است، هر چند که حضرتش در غیبت و نهان زیستی به سر می برد، اما به تعبیر روایات گر چه این خورشید نور آفرین در ورای ابر غیبت به سر می برد، ولی باز وجود مبارکش سبب رشد و تعالی است. باری غرض از نگاشتن چنین حقایقی این است که تا بیان تذکاری باشد نسبت به فضائل و کرامات نعمت عظمای الهی یعنی وجود قدیس حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه الاف التحیه و الثناء، آن نعمتی که فضائلش به شماره در نمی آید و خداوند آن وجود ذی جود را نصیب شیعیان این مرز و بوم، شیعه خانه ی

[صفحه ۶]

اهل بیت سلام الله علیهم گردانیده است. آری عقلها به هنگام توصیف حضرتش را به جایی نمی برد و قلم از نگاشتن باز می ایستد؛ و ما را نشاید که به توصیف این ادب یافتگان الهی بپردازیم، جز این که به بیان توصیف اینان از گفتار الهی و یا از گفتار خود این بزرگواران بسنده نماییم و این توصیف ها خود، ما را به باوری عمیق معترف

می گرداند و دلهامان را آکنده از ولاء و محبت شان می سازد. چه نیکو است که در این مجال کوتاه نظری گذرا به گوشه ای از زنـدگی پربار و احیاگر آن امام همام داشـته باشـیم، چرا که آن حضـرت دارای ابعاد گوناگونی بوده انـد. در بعد علمی آن چنـان مـدعیان دروغین را رسوا می ساختنـد که همگـان انگشت تحیر به لب می گزیدنـد. این نکته را در مباحثـات و جلسـات مناظره ای که مأمون به زعم باطل خویش جهت خرد ساختن مقام علمی آن حضرت به راه می انداخت به خوبی می توان دید. اما آن چنان که روایات شیعه بعد علمی این امام الهی را تصویر می کنند، حضرت رضا صلوات الله علیه سراپای وجودش را

[صفحه ۷]

توحید فراگرفته و آن چنان با تمام وجودش درآمیخته بود که به گاه سـخن در این وادی، تمامی مکاتب، مات و متحیر معارف توحیـدی حضـرتش گردیـده انـد و بسـیاری از مـدعیان علم، چون راه نورانی معـارف شـان را نپیموده انـد به طریق هلاـکت و ضلالت افتاده انـد. در عصـر حضـرت رضا صـلوات الله علیه دگر بار احیاء علوم الهیه را به گواه تاریخ نظاره گر هستیم که امام علیه السـلام نه تنها در زمینه ی معارف توحیـد حرکت عظیمی داشـته بلکه در جهت تربیت اصـحاب خویش، آن حضـرت آن چنـان مزین به زیـور اخلاـق بود که مـا در بخشـی از روایـات موجود در این مجموعه می خوانیم که دوست و دشـمن در برابر خوی آسـمانی و رفتار ملکوتی آن حضـرت سر تعظیم فرود آورده و موافق و مخالف شیفته ی آن امام همام شده بودند؛ که به تعبیر روایات این خود یکی از علل ملقب شدن حضرت ثامن الائمه علیه السلام به رضا می باشد. به این

ترتیب آن حضرت نمونه اتم تربیت الهی بود و تمامی حالات و رفتار و سکنات این وجود گرانمایه پندآموز و تعلیم گر بوده است. از آن جایی که حضرت همانند

[صفحه ۸]

اجداد بزرگوارشان از شالوده ی وحی، علوم خویش را دارا هستند لذا کلمات درر باری از ایشان در بوستان گفتار آل محمد صلوات الله علیهم به چشم می خورد. از آن جمله حدیث سلسله الذهب است یعنی زنجیزه ی طلایی، که تمامی ناقلان این روایت، ائمه معصومین سلام الله علیهم هستند که از ناحیه ی ذات ربوبی روایت صادر شده را نقل می کنند و حضرت رضا سلام الله علیه آن را در مسیر راه مدینه به طوس در شهر نیشابور بیان فرمودند. در خاتمه از باب تیمن و تبرک این حدیث شریف را می نگاریم امید آن که این مجموعه که حاوی چهل حدیث در فضائل و کرامات و نصوص بر امامت آن امام بزرگوار می باشد هدایتگر ما به سعادت و رضوان الهی گردد.

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ رَاهَوَيْهِ قَالَ لَمَّا وَافَى أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام نَيْسَابُورَ وَ أَرَادَ أَنْ يَرْحَلَ مِنْهَا إِلَى الْمَأْمُونِ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ أَصْحَابُ الْحَدِيثِ فَقَالُوا لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ تَرْحَلُ عَنَّا وَ لَا تُحَدِّثُنَا بِحَدِيثٍ فَنَسْتَفِيدَهُ مِنْكَ وَ قَدْ كَانَ قَعَدَ فِي

[صفحه ۹]

الْعَمَّارِيَّهِ فَأَطْلَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي [أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ] عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و سلم يَقُولُ سَمِعْتُ جَبْرَئِيلَ علیه السلام يَقُولُ سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ

«لَا

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِی فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِی أَمِنَ مِنْ عَذَابِی فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَهُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» [۲].

اسحاق بن راهویه گوید:

«آن هنگام امام رضا علیه السلام به نیشابور رسید و قصد عزیمت به سوی مأمون را داشت، راویان حدیث نزد ایشان گرد آمدند و گفتند: این فرزند رسول خدا، اکنون که عازم سفر هستید، آیا

[صفحه ۱۰]

حدیثی برای ما بیان نمی فرمایید تا از شما بهره مند گردیم.

حضرت رضا علیه السلام در آن هنگام در هودج نشسته بودند، پس سرشان را بیرون آوردند و فرمودند: از پدرم موسی بن جعفر شنیدم که فرمود:

از پدرم جعفر بن محمد شنیدم که فرمود:

از پدرم محمد بن علی شنیدم که فرمود:

از پدرم علی بن الحسین شنیدم که فرمود:

از پدرم حسین بن علی شنیدم که فرمود:

از پدرم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که فرمود:

از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

از جبرئیل شنید که گفت: از خدای صاحب جلال و شوکت شنیدم که فرمود:

لا ـ اله الا الله دژ من است و کسی که به دژ من داخل گشت از عذاب من در امان است. (امام این را فرمود و) قافله حرکت کرد. پس از اندکی (سر از هودج بیرون آورد) و ما را ندا در داد که: (این کلام) شروطی دارد و من از شروط آن هستم.»

[صفحه ۱۱]

حدیث ۰۱

فی حدیث دعبل ان الرضا علیه السلام قال له:

«لَا تَنْقَضِی الْأَیَّامُ وَ اللَّیَالِی حَتَّی تَصِیرَ طُوسُ مُخْتَلَفَ شِیعَتِی وَ زُوَّارِی أَلَا فَمَنْ زَارَنِی فِی غُرْبَتِی بِطُوسَ کَانَ مَعِی فِی دَرَجَتِی یَوْمَ الْقِیَامَهِ مَغْفُوراً لَهُ.» [۳].

ثُمَّ نَهَضَ الرِّضَا بَعْدَ فَرَاغِ دِعْبِلٍ مِنْ إِنْشَادِ

دعبل از امام رضا علیه السلام نقل می کند که ضمن حدیثی فرمود:

«روزها

و شبها نمی گذرد تا این که طوس جایگاه آمد و رفت شیعیان و زائرانم می شود؛ آگاه باشید کسی که مرا در غربتم در طوس زیارت کند، روز قیامت با گناهان آمرزیده هم درجه ی من خواهد بود.»

[صفحه ۱۲]

حدیث ۰۲

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله:

«سَتُدْفَنُ بَضْعَهٌ مِنِّی بِأَرْضِ خُرَاسَانَ مَا زَارَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَّسَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ وَ لَا مُذْنِبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَه » [۴].

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«پاره ای از تن من در سرزمین خراسان دفن می شود که هیچ گرفتاری او را زیارت نمی کند، جز این که خداوند پریشانی را از او می زداید و هیچ گنهکاری به زیارت او نائل نمی شود، مگر آن که خداوند گناهانش را می آمرزد.»

[صفحه ۱۳]

حدیث ۰۳

قال الرضا علیه السلام: «مَنْ زَارَنِی عَلَى بُعْدِ دَارِی و مزاری أَتَیْتُهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ

فِی ثَلَاثَهِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُخَلِّصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا إِذَا تَطَایَرَتِ الْكُتُبُ یَمِیناً وَ شِمَالًا [وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ] وَ عِنْدَ الْمِیزَان

امام رضا علیه السلام فرمود:

«کسی که با دوری راه سرا و مزار من به زیارت من بیاید، روز قیامت در سه جا (برای دستگیری) نزد او خواهم آمد و او را از بیم و گرفتاری آن موقفها رهایی خواهم بخشید: هنگامی که نامه ها (ی اعمال) در راست و چپ به پرواز درآیند، نزد (پل) صراط و نزد میزان (محل سنجش اعمال).»

[صفحه ۱۴]

حدیث ۰۴

قال الرضا علیه السلام: «وَ اللَّهِ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ شَهِیدٌ» فَقِیلَ لَهُ فَمَنْ یَقْتُلُكَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟

قال: «شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ فِی زَمَانِی یَقْتُلُنِی بِالسَّمِّ ثُمَّ یَدْفِنُنِی فِی دَارِ مَضِیعَهٍ وَ بِلَادِ غُرْبَهٍ أَلَا فَمَنْ زَارَنِی فِی غُرْبَتِی كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ أَجْرَ مِائَهِ أَلْفِ شَهِیدٍ وَ مِائَهِ أَلْف صِدِّیقٍ وَ مِائَهِ أَلْفِ حَاجٍّ وَ مُعْتَمِرٍ وَ مِائَهِ أَلْفِ مُجَاهِدٍ وَ حُشِرَ فِی زُمْرَتِنَا وَ جُعِلَ فِی الدَّرَجَاتِ

الْعُلَی مِنَ الْجَنَّهِ رَفِیقَنَا.» [۶].

امام رضا علیه السلام فرمود:

«به خدا سوگند کسی از ما (ائمه اطهار علیهم السلام) نیست جز آن که کشته یا شهید می شود.»

گفته شد: چه کسی شما را ای فرزند رسول خدا می کشد؟

فرمود:

[صفحه ۱۵]

«بدترین آفریدگان خدا در زمانم مرا با زهر می کشد، سپس مرا در دیار غربت و سرایی دور افتاده دفن می کند؛ آگاه باشید کسی که مرا در غربتم زیارت کند، خدای عزوجل ثواب یکصد هزار شهید، یکصد هزار صدیق، یکصد هزار حج گزار و عمره گزار و یکصد هزار مجاهد را برای او می نویسد و در زمره ی ما محشور

می شود و در درجات والای بهشت رفیق و همراه ما خواهد بود.»

[صفحه ۱۶]

حدیث ۰۵

قال علی بن محمد بن علی الرضا علیه السلام:

«مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَزُرْ قَبْرَ جَدِّيَ الرِّضَا علیه السلام بِطُوسَ وَ هُوَ عَلَى غُسْلٍ وَ لْيُصَلِّ عِنْدَ رَأْسِهِ رَكْعَتَيْنِ وَ لْيَسْأَلِ اللَّهَ حَاجَتَهُ فِي قُنُوتِهِ فَإِنَّهُ يَسْتَجِيبُ لَهُ مَا لَمْ يَسْأَلْ مأثما أَوْ قَطِيعَةِ رَحِمٍ وَ إِنَّ مَوْضِعَ قَبْرِهِ لَبُقْعَةٌ مِنْ [بِقَاعِ] الْجَنَّةِ لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ وَ أَحَلَّهُ إِلَى دَارِ الْقَرَار.» [۷].

امام علی النقی علیه السلام فرمود:

«کسی که از خدا حاجتی می خواهد، قبر جدم (حضرت) رضا علیه السلام را در طوس زیارت کند، در حالی که غسل نموده باشد و سپس بالای سر آن حضرت دو رکعت نماز گزارد و در

[صفحه ۱۷]

قنوت آن از خدای تعالی حاجت خود را بخواهد. در این صورت است که دعایش مستجاب می شود، مادام که گناه یا بریدن از خویشاوندی را درخواست نکرده باشد. همانا جایگاه قبر او قطعه ای از بهشت است که هیچ مؤمنی آن را زیارت نمی کند، مگر این که خدای تعالی او را از آتش (دوزخ) رهایی می بخشد و به سرای آرامش (بهشت) وارد می سازد.»

[صفحه ۱۸]

حدیث ۰۶

قال الرضا علیه السلام:

«إِنِّي سَأُقْتَلُ بِالسَّمِّ مَظْلُوماً وَ أُقْبَرُ إِلَى جَنْبِ هَارُونَ الرشید وَ يَجْعَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ تُرْبَتِي مُخْتَلَفَ شِيعَتِي وَ أَهْلِ مَحَبَّتِي فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي وَجَبَتْ لَهُ زِيَارَتِي يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ الَّذِي أَكْرَمَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله و سلم بِالنُّبُوَّهِ وَ اصْطَفَاهُ عَلَى جَمِيعِ الْخَلِيقَهِ لَا يُصَلِّي أَحَدٌ مِنْكُمْ عِنْدَ قَبْرِي [رَكْعَتَيْنِ] إِلَّا اسْتَحَقَّ الْمَغْفِرَهَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَ الَّذِي أَكْرَمَنَا بَعْدَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم بِالْإِمَامَهِ وَ خَصَّنَا بِالْوَصِيَّهِ إِنَّ زُوَّارَ قَبْرِي لَأَكْرَمُ الْوُفُودِ

عَلَی اللَّهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ یَزُورُنِی فَیُصِیبُ وَجْهَهُ قَطْرَهٌ مِنَ الْمَاءِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَی جَسَدَهُ عَلَی النَّار

.» [۸].

[صفحه ۱۹]

امام رضا علیه السلام فرمود:

«من بزودی مظلومانه با زهر کشته می شوم و کنار قبر هارون دفن می گردم و خداوند خاک (قبر) مرا جایگاه رفت و آمد (و زیارتگاه) شیعیان و دوستارانم می گرداند. پس کسی که در غربتم مرا زیارت کند، روز قیامت زیارت او بر من واجب می شود؛ قسم به آن که محمد صلی الله علیه و سلم را به پیامبر گرامی داشت و او را بر تمامی مردم برگزید، کسی که از شما نزد قبرم نماز نمی گذارد، جز آن که روزی که خدای صاحب عزت و جلال را ملاقات می کند، شایسته ی آمرزش می شود و قسم به آن که بعد از محمد صلی الله علیه و سلم ما را به امامت گرامی داشت و به وصایت (و جانشینی آن حضرت) اختصاص گرامی ترین گروهها خواهند بود که روز قیامت بر خدای صاحب عزت و جلال وارد می شوند؛ و هیچ مؤمنی نیست که مرا زیارت نماید و قطره ای آب (باران) به صورت او بخورد، جز

[صفحه ۲۰]

آن که خداوند پیکرش را بر آتش (دوزخ) حرام می کند.»

[صفحه ۲۱]

حدیث ۰۷

قَالَ الرِّضَا علیه السلام:

«لَا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلَی شَیْ ءٍ مِنَ الْقُبُورِ إِلَّا إِلَی قُبُورِنَا أَلَا وَ إِنِّی لَمَقْتُولٌ بِالسَّمِّ ظُلْماً وَ مَدْفُونٌ فِی مَوْضِعِ غُرْبَهٍ فَمَنْ شَدَّ رَحْلَهُ إِلَی زِیَارَتِی اسْتُجِیبَ دُعَاؤُهُ وَ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُه » [۹].

امام رضا علیه السلام فرمود:

«بار به سوی هیچ قبر (و زیارتگاهی) بر نبندید مگر این که به زیارت قبور ما بیایید. آگاه باشید که مرا مظلومانه مسموم ساخته و می کشند و در جایی غریبانه به خاک

می سپارند پس هر کس که بـار سـفر برای زیـارت من بربنـدد، دعـایش مسـتجاب می شود و گنـاهش مورد آمرزش واقع می گردد.»

[صفحه ۲۲]

حدیث ۰۸

فی خبر: أَنَّ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ علیه السلام کَانَ یَقُولُ لِبَنِیهِ:

«هَذَا أَخُوکُمْ عَلِیُّ بْنُ مُوسَی الرِّضَا عَالِمُ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام فَسَلُوهُ عَنْ أَدْیَانِکُمْ وَ احْفَظُوا مَا یَقُولُ لَکُمْ فَإِنِّی سَمِعْتُ أَبِی جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیه السلام غَیْرَ مَرَّهٍ یَقُولُ «إِنَّ عَالِمَ آلِ مُحَمَّدٍ لَفِی صُلْبِکَ وَ لَیْتَنِی أَدْرَکْتُهُ فَإِنَّهُ سَمِیُّ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیٍّ علیه السلام.» [۱۰].

[صفحه ۲۳]

جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم که بارها می فرمود:

همانا عالم آل محمد علیهم السلام در صلب توست، ای کاش او را درک می کردم! که همانا او همنام امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.»

[صفحه ۲۴]

حدیث ۰۹

قَالَ عَلِیُّ بْنُ مَهْزِیَارَ: قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام: جُعِلْتُ فِدَاکَ زِیَارَهُ الرِّضَا علیه السلام أَفْضَلُ أَمْ زِیَارَهُ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنِ علیه السلام فَقَالَ زِیَارَهُ أَبِی علیه السلام أَفْضَلُ وَ ذَلِکَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَزُورُهُ کُلُّ النَّاسِ وَ أَبِی علیه السلام لَا یَزُورُهُ إِلَّا الْخَوَاصُّ مِنَ الشِّیعَه.» [۱۱].

علی بن مهزیار گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، زیارت حضرت رضا علیه السلام فضیلت بیشتری دارد یا زیارت ابا عبد الله الحسین علیه السلام؟ فرمود:

«زیارت پدرم فضیلت بیشتری دارد، زیرا ابا عبد الله علیه السلام را همه ی مردم زیارت می کنند، ولی پدرم را جز شیعیان برگزیده زیارت نمی کنند.»

[صفحه ۲۵]

حدیث ۱۰

قَالَ أَبُو الصَّلْتِ الْهَرَوِيُّ:

كَانَ الرِّضَا علیه السلام يُكَلِّمُ النَّاسَ بِلُغَاتِهِمْ وَ كَانَ وَ اللَّهِ أَفْصَحَ النَّاسِ وَ أَعْلَمَهُمْ بِكُلِّ لِسَانٍ وَ لُغَةٍ فَقُلْتُ لَهُ يَوْماً:

«يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّی لَأَعْجَبُ مِنْ مَعْرِفَتِكَ بِهَذِهِ اللُّغَاتِ عَلَى اخْتِلَافِهَا!؟»

فَقَالَ: يَا أَبَا الصَّلْتِ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَتَّخِذَ حُجَّةً عَلَى قَوْمٍ وَ هُوَ لَا يَعْرِفُ لُغَاتِهِمْ أَ وَ مَا بَلَغَكَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام «أُوتِينَا فَصْلَ الْخِطَابِ» وَ مَا كَانَ فَصْلُ الْخِطَابِ إِلَّا مَعْرِفَةَ اللُّغَاتِ » [۱۲].

اباصلت هروی گوید: امام رضا علیه السلام با مردم به زبان خودشان سخن

[صفحه ۲۶]

می گفت و به خدا سوگند او سخنورترین و آگاه ترین مردم به هر زبان و لغت بود. روزی به ایشان گفتم: ای فرزند رسول خدا، من از آگاهی شما به این زبانها - با وجود تفاوتی که با هم دارند - در شگفتم. فرمود:

«ای، اباصلت، من حجت خدا بر آفریدگانش می باشم و خداوند کسی را حجت بر گروهی نمی گرداند که به زبان آنها آشنا نباشد، آیا این سخن

امیرالمؤمنین علیه السلام را شنیده ای که فرمود:

«به ما فصل الخطاب داده شده است» و مگر فصل الخطاب چیزی غیر از شناخت زبانها می باشد.»

[صفحه ۲۷]

حدیث ۱۱

عن أبی الحسن موسی علیه السلام فی حدیث: أنه قال -وَ عَلِیٌّ ابْنُهُ جَالِسٌ بَیْنَ یَدَیْهِ:

«مَنْ ظَلَمَ ابْنِی [هَذَا] حَقَّهُ وَ جَحَدَهُ إِمَامَتَهُ مِنْ بَعْدِی کَانَ کَمَنْ ظَلَمَ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام إِمَامَتَهُ وَ جَحَدَهُ حَقَّهُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم.» [۱۳].

امام موسی کاظم علیه السلام در ضمن حدیثی، در حالی که فرزندشان امام رضا علیه السلام در برابرشان نشسته بود، فرمود:

«کسی که در حق این پسرم ستم ورزد و امامتش را بعد از من انکار نماید، مانند کسی است که در حق علی بن ابی طالب علیه السلام ستم ورزیده و امامتش را بعد از رسول خدا صلی الله علیه و سلم انکار نموده باشد.»

[صفحه ۲۸]

حدیث ۱۲

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

«یُقْتَلُ حَفَدَتِی بِأَرْضِ خُرَاسَانَ فِی مَدِینَهٍ یُقَالُ لَهَا طُوسُ مَنْ زَارَهُ إِلَیْهَا عَارِفاً بِحَقِّهِ أَخَذْتُهُ بِیَدِی یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّهَ وَ إِنْ کَانَ مِنْ أَهْلِ الْکَبَائِرِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ وَ مَا عِرْفَانُ حَقِّهِ قَالَ یَعْلَمُ أَنَّهُ [إِمَامٌ] مُفْتَرَضُ الطَّاعَهِ غَرِیبٌ شَهِیدٌ مَنْ زَارَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ سَبْعِینَ شَهِیداً مِمَّنِ اسْتُشْهِدَ بَیْنَ یَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم عَلَی حَقِیقَهٍ.» [۱۴].

امام صادق علیه السلام فرمود:

«نوه ی مرا در سرزمین خراسان در شهری به نام طوس می کشند؛ کسی که او را با شناخت حق وی زیارت کند، من روز قیامت از او دستگیری می کنم و وارد

[صفحه ۲۹]

بهشتش می سازم، هر چند که مرتکب گناهان کبیره شده باشد.»

راوی گفت: فدایت شوم، شناخت حق او را به چیست؟

فرمود: «این که بدانی او (امامی است که) پیروانش واجب است. او غریب است و شهید؛ کسی که با شناخت حقش،

او را زیارت کند، خدای صاحب عزت و جلال پاداش هفتاد شهید از شهدای راستین در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و سلم را به او عطا می فرماید.»

[صفحه ۳۰]

حدیث ۱۳

عن عَلِیِّ بْن یَقْطِینٍ قال:

کُنْتُ عِنْدَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام جَالِساً فَدَخَلَ عَلَیْهِ [ابْنُهُ] الرِّضَا علیه السلام فَقَالَ:

«یَا عَلِیُّ هَذَا سَیِّدُ وُلْدِی وَ قَدْ نَحَلْتُهُ کُنْیَتِی» فَقَالَ هِشَامٌ بن صالح أَخْبَرَکَ وَ اللَّهِ أَنَّ الْأَمْرَ فِیهِ مِنْ بَعْدِه » [۱۵].

علی بن یقطین گوید:

نزد بنده ی شایسته حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نشسته بودم که حضرت رضا علیه السلام وارد شد، پس فرمود:

«ای علی، این آقای فرزندان من است که کنیه ی خود (ابوالحسن) را به او بخشیدم.» هشام بن صالح گفت: بخدا سوگند تو را آگاه ساخت که امر (امامت) پس از وی در این امام خواهد بود.

[صفحه ۳۱]

حدیث ۱۴

عن الْبَزَنْطِیِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّد بْنِ عَلِیٍّ بن موسی علیه السلام:

«إِنَّ قَوْماً مِنْ مُخَالِفِیکُمْ یَزْعُمُونَ أَنَّ أَبَاکَ إِنَّمَا سَمَّاهُ الْمَأْمُونُ الرِّضَا لِمَا رَضِیَهُ لِوِلَایَهِ عَهْدِهِ فَقَالَ علیه السلام کَذَبُوا وَ اللَّهِ وَ فَجَرُوا بَلِ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی سَمَّاهُ بِالرِّضَا علیه السلام لِأَنَّهُ کَانَ رَضِیَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِی سَمَائِهِ وَ رَضِیَ لِرَسُولِهِ وَ الْأَئِمَّهِ بَعْدَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ فِی أَرْضِهِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ أَ لَمْ یَکُنْ کُلُّ وَاحِدٍ مِنْ آبَائِکَ الْمَاضِینَ علیهم السلام رَضِیَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِرَسُولِهِ وَ الْأَئِمَّهِ بَعْدَهُ علیه السلام فَقَالَ بَلَی فَقُلْتُ فَلِمَ سُمِّیَ أَبُوکَ علیه السلام مِنْ بَیْنِهِمُ الرِّضَا؟ قَالَ لِأَنَّهُ رَضِیَ بِهِ الْمُخَالِفُونَ مِنْ أَعْدَائِهِ کَمَا رَضِیَ بِهِ الْمُوَافِقُونَ.

[صفحه ۳۲]

مِنْ أَوْلِیَائِهِ وَ لَمْ یَکُنْ ذَلِکَ لِأَحِدٍ مِنْ آبَائِهِ علیه السلام فَلِذَلِکَ سُمِّیَ مِنْ بَیْنِهِمُ الرِّض علیه السلام.» [۱۶]

بزنطی گوید:

«به ابوجعفر محمد بن علی بن موسی (امام جواد) علیه السلام گفتم: گروهی از مخالفان شما می پندارند که (علت ملقب شدن پدرتان به رضا علیه السلام) این است که چون پدرتان

را برای ولایت عهدی خود پسندید، این لقب (یعنی) رضا را به ایشان داد. فرمود:

«به خدا سوگند دروغ گفتند و گمراه گشتند، بلکه خدای تعالی آن حضرت را رضا نامیده است، زیرا که وی از خدای صاحب عزت و جلال در آسمانش و از پیامبرش و امامان بعد از آن حضرت در زمین راضی بود؟ گفتم: مگر پدران پیشین شما از خدای صاحب عزت و جلال و پیامبر و امامان بعد از آن حضرت علیه السلام راضی نبودند؟

فرمود: آری.

گفتم: پس چرا

[صفحه ۳۳]

پدر شما از میان آنان رضا نامیده شده است؟

فرمود: زیرا که مخالفان از دشمنانش همانند موافقان از دوستانش از او رضایت داشتند و این موقعیت برای کسی از پدران او پیش نیامد، از این رو از میان ایشان، لقب رضا علیه السلام به آن حضرت اختصاص یافت.»

حدیث ۱۵

عن دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ علیه السلام:

«جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ كَبِرَ سِنِّي فَحَدِّثْنِي مَنِ الْإِمَامُ بَعْدَكَ.»

قَالَ: فَأَشَارَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام وَ قَالَ هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي » [۱۷]

داود رقی گوید: به ابو ابراهیم (امام موسی کاظم) علیه السلام گفتم: فدایت شوم، سن من بالا رفته است، بیان نمایید امام بعد از شما کیست؟ پس آن حضرت اشاره به ابوالحسن الرضا علیه السلام کرد و فرمود:

«این صاحب شما بعد از من است.»

[صفحه ۳۵]

حدیث ۱۶

عَنْ سُلَيْمَانَ الْمَرْوَزِيِّ قَالَ:

«دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْحُجَّةِ عَلَى النَّاسِ بَعْدَهُ»

فَابْتَدَأَنِي وَ قَالَ:

«یَا سُلَیْمَانُ إِنَّ عَلِیّاً ابْنِی وَ وَصِیِّی وَ الْحُجَّهُ عَلَی النَّاسِ بَعْدِی وَ هُوَ أَفْضَلُ وُلْدِی فَإِنْ بَقِیتَ بَعْدِی فَاشْهَدْ لَهُ بِذَلِکَ عِنْدَ شِیعَتِی وَ أَهْلِ وَلَایَتِی وَ الْمُسْتَخْبِرِینَ عَنْ خَلِیفَتِی مِنْ بَعْدِی » [۱۸]

سلیمان مروزی گوید: من خدمت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام رسیدم و می خواستم از حجت بر مردم، پس از وی سؤال نمایم که ابتدا به ساکن فرمود:

«ای سلیمان، علی پسرم، وصی و حجت بر مردم بعد از

[صفحه ۳۶]

من است. او. برترین فرزندانم می باشد. اگر بعد از من زنده بودی، این را نزد شیعیان و دوستدارانم و کسانی که خواستار شناخت جانشین بعد از من هستند، گواهی بده.»

[صفحه ۳۷]

حدیث ۱۷

قال حُسَیْنُ بْن بَشِیرٍ:

«أَقَامَ لَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ علیه السلام ابْنَهُ عَلِیّاً

علیه السلام کَمَا أَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم [عَلِیّاً علیه السلام] یَوْمَ غَدِیرِ خُمٍّ فَقَالَ:

یَا أَهْلَ الْمَدِینَهِ أَوْ قَالَ یَا أَهْلَ الْمَسْجِدِ هَذَا وَصِیِّی مِنْ بَعْدِی » [۱۹]

حسین بن بشیر گوید: «ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام پسرش علی (بن موسی الرضا) علیه السلام را (جهت معرفی به امامت) بلند نمود، همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و سلم، علی علیه السلام را روز غدیر خم بلند نمود و فرمود:

ای مردم مدینه - یا فرمود:

ای اهل مسجد - این جانشین بعد از من است.»

[صفحه ۳۸]

حدیث ۱۸

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ:

«دَخَلْتُ عَلَی أَبِی الْحَسَنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام وَ عَلِیٌّ ابْنُهُ علیه السلام فِی حَجْرِهِ وَ هُوَ یُقَبِّلُهُ وَ یَمَصُّ لِسَانَهُ وَ یَضَعُهُ عَلَی

عَاتِقِهِ وَ يَضُمُّهُ إِلَيْهِ وَ يَقُولُ: بِأَبِی أَنْتَ مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَ أَطْهَرَ خَلْقَكَ وَ أَبْيَنَ فَضْلَكَ؟!»

قُلْتُ: «جُعِلْتُ فِدَاکَ لَقَدْ وَقَعَ فِی قَلْبِی لِهَذَا الْغُلَامِ مِنَ الْمَوَدَّهِ مَا لَمْ يَقَعْ لِأَحَدٍ إِلَّا لَکَ.»

فَقَالَ لِی «يَا مُفَضَّلُ هُوَ مِنِّی بِمَنْزِلَتِی مِنْ أَبِی عليه السلام ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.»

قَالَ: «قُلْتُ هُوَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِکَ؟»

قَالَ: «نَعَمْ مَنْ أَطَاعَهُ رَشَدَ وَ مَنْ عَصَاهُ کَفَر.» [۲۰].

[صفحه ۳۹]

مفضل بن عمر گويد:

«خدمت ابوالحسن موسی بن جعفر عليه السلام رسيدم، (مشاهده نمودم که) پسرش علی (بن موسی الرضا) عليه السلام در آغوشش می باشد و او را می بوسد و زبانش را می مکد و بر شانه اش می گذارد و او را در آغوش می فشرد و می فرمايد: پدرم فدايت! چه رايحه ی دل انگيز و خوی پاک و برتری آشکاری داری! گفتم: فدايت

شوم، مهر این کودک آن چنان در دلم جای گرفت که جز مهر شما محبت کسی بدان حد به دلم راه نیافته است. فرمود:

ای مفضل، منزلت او نسبت به من مانند منزلت من نسبت به پدر ماست، خاندانی که برخی از ایشان از برخی دیگرند و البته خدا بسیار شنوای داناست. گفتم: آیا او بعد از شما (امام و) صاحب این امر خواهد بود؟ فرمود:

آری، کسی که او را پیروی نماید هدایت یابد و کسی که نافرمانیش کند کافر می شود.»

[صفحه ۴۰]

حدیث ۱۹

فی حدیث - أَنَّ عَلِیَّ بْنَ یَقْطِینٍ قَالَ لِأَبِی الْحَسَنِ موسی علیه السلام: مَنْ لَنَا بَعْدَکَ یَا سَیِّدِی؟

فقال: «عَلَی ابْنِی هَذَا، هُوَ خَیْرٌ من أُخَلِّفُ بَعْدِی هُوَ مِنِّی بِمَنْزِلَهِ أبی، هو لشیعتی، عِنْدَهُ عِلْمُ مَا یُحْتَاجُ إِلَیْهِ. سَیِّدٌ فِی الدُّنْیَا وَ سَیِّدٌ فِی الْآخِرَهِ و انه لمن الْمُقَرَّبِینَ.» [۲۱]

در حدیثی علی بن یقطین به ابوالحسن امام موسی کاظم علیه السلام گفت: آقای من، بعد از شما چه کسی (امام) خواهد بود؟ فرمود:

این پسرم علی، که بهترین بازمانده و جانشین من است. او نسبت به من مانند منزلت من نسبت به پدرم است (که امامت را بعد از من به عهده خواهد داشت).

[صفحه ۴۱]

بهره وری شیعیانم از او بدین گونه است که آنچه بدان نیازمندند نزد اوست. او سرور دنیا و آخرت و از مقربان (درگاه الهی) است.»

[صفحه ۴۲]

حدیث ۲۰

قَالَ إِبْرَاهِیمُ بْنُ الْعَبَّاسِ:

مَا رَأَیْتُ الرِّضَا علیه السلام سَأَلَ عَنْ شَیْ ءٍ قَطُّ ... إِلَّا عِلْمَهُ وَ لَا رَأَیْتُ أَعْلَمَ مِنْهُ بِمَا کَانَ فِی الزَّمَانِ إِلَی وَقْتِهِ وَ عَصْرِهِ وَ کَانَ الْمَأْمُونُ یَمْتَحِنُهُ بِالسُّؤَالِ عَنْ کُلِّ شَیْ ءٍ فَیُجِیبُ عَنْهُ وَ کَانَ کَلَامُهُ کُلُّهُ وَ جَوَابُهُ وَ تَمَثُّلُهُ انْتِزَاعَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ وَ کَانَ یَخْتِمُهُ فِی کُلِّ ثَلَاثٍ وَ یَقُولُ لَوْ أَنِّی أَرَدْتُ أَخْتِمُهُ فِی أَقْرَبَ مِنْ ثَلَاثٍ لَخَتَمْتُ وَ لَکِنِّی مَا مَرَرْتُ بِآیَهٍ قَطُّ إِلَّا فَکَّرْتُ فِیهَا وَ فِی أَیِّ شَیْ ءٍ أُنْزِلَتْ وَ فِی أَیِّ وَقْتٍ فَلِذَلِکَ صِرْتُ أَخْتِمُهُ فِی کُلِّ ثَلَاث أیام.» [۲۲].

ابراهیم بن عباس گوید:

«هیچ گاه ندیدم که از (امام) رضا علیه السلام چیزی پرسیده شود، جز این که آن سؤال را پاسخ می داد. در میان عالمان پیشین و دانشمندان معاصر او کسی را آگاهتر از وی نیافتم. مأمون با

پرسشهای گوناگون او را می آموزد و او از عهده ی پاسخ تمامی آنها بر می آمد. تمامی سخن و جواب و شواهد مثال او از قرآن بود. در هر سه روز یک مرتبه قراء قرآن را به پایان می برد و می فرمود:

«اگر بخواهم می توانم آن را در کمتر از سه روز هم ختم نمایم، اما هرگز از آیه ای نمی گذرم جز این که در آن می اندیشم که درباره ی چه و چه هنگام نازل گشته است و از این لحاظ است که هر سه روز یک مرتبه قرآن را ختم می نمایم.»

[صفحه ۴۴]

حدیث ۲۱

قَالَ الْکَاظِمُ علیه السلام لِأَصْحَابِهِ

«اشْهَدُوا أَنَّ ابْنِی هَذَا وَصِیِّی وَ الْقَیِّمُ بِأَمْرِی وَ خَلِیفَتِی مِنْ بَعْدِی مَنْ کَانَ لَهُ عِنْدِی دَیْنٌ فَلْیَأْخُذْهُ مِنِ ابْنِی هَذَا وَ مَنْ کَانَتْ لَهُ عِنْدِی عِدَهٌ فَلْیَتَنَجَّزْهَا مِنْهُ وَ مَنْ لَمْ یَکُنْ لَهُ بُدٌّ مِنْ لِقَائِی فَلَا یَلْقَنِی إِلَّا بِکِتَابِهِ » [۲۳]

امام کاظم علیه السلام به اصحاب خود فرمود:

«گواه باشید که این پسرم (امام رضا علیه السلام) وصی و سرپرست و جانشین بعد از من می باشد، کسی که من دینی از او بر گردن دارم، آن را از این پسرم بگیرد، کسی که من به او وعده ای داده ام، انجام آن را از او بخواهد و کسی که ناگزیر از ملاقات با من است، از راه نامه نگاری با او با من پیوند برقرار سازد.»

حدیث ۲۲

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام:

«إِنَّ ابْنِی عَلِیّاً أَکْبَرُ وُلْدِی وَ أَبَرُّهُمْ عِنْدِی وَ أَحَبُّهُم إِلَیَّ وَ هُوَ یَنْظُرُ مَعِی فِی الْجَفْرِ وَ لَمْ یَنْظُرْ فِیهِ إِلَّا نَبِیٌّ أَوْ وَصِیُّ نَبِی » [۲۴]

امام موسی کاظم علیه السلام فرمود:

«همانا علی پسر بزرگم نزد من از همه فرزندانم نیکوکارتر و محبوبتر است. او با من در جفر [۲۵] می نگرد و حال آنکه در جفر جز پیامبر یا وصی پیامبر نمی تواند بدان بنگرد.»

[صفحه ۴۶]

حدیث ۲۳

قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ علیه السلام:

«يَخْرُجُ وَلَدٌ مِنِ ابْنِی مُوسَی اسْمُهُ اسْمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ الصَّلَاهُ وَ السَّلَامُ إِلَی أَرْضِ طُوسَ وَ هِیَ بِخُرَاسَانَ يُقْتَلُ فِيهَا بِالسَّمِّ فَيُدْفَنُ فِيهَا غَرِيباً مَنْ زَارَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَی أَجْرَ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قاتَل » [۲۶]

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«فرزندی از پسرم موسی که همنام امیرالمؤمنین علیه الصلاه و السلام است، به جانب سرزمین طوس در خراسان می رود و در آن جا با زهر کشته شده و غریبانه دفن می شود، کسی که او را با شناخت حق وی (به اینکه آن حضرت اما واجب الاطاعه

[صفحه ۴۷]

است) زیارت کند، خدای تعالی پاداش کسی را که قبل از پیروزی، انفاق نموده و جنگیده است به وی عطا می نماید.»

[صفحه ۴۸]

حدیث ۲۴

قال زِيَاد الْقَنْدِی:

دَخَلْتُ عَلَی أَبِی إِبْرَاهِيمَ علیه السلام وَ عِنْدَهُ ابْنُهُ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام فَقَالَ يَا زِيَادُ هَذَا ابْنِی كِتَابُهُ كِتَابِی وَ كَلَامُهُ كَلَامِی وَ رَسُولُهُ رَسُولِی وَ مَا قَالَ فَالْقَوْلُ قَوْلُهُ » [۲۷].

زاید قندی گوید:

خدمت امام کاظم علیه السلام رسیدم، در حالی که پسرش ابوالحسن (امام رضا) علیه السلام نزد ایشان بود. سپس فرمود:

«ای زیاد، این پسرم نوشته اش نوشته ی من، سخنش سخن من، فرستاده اش فرستاده ی من است و هر چه گوید، سخن، سخن اوست.»

[صفحه ۴۹]

حدیث ۲۵

عَنِ الرِّضَا علیه السلام أنه قال له رجل من أهل خراسان:

يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فی المنام كَأَنَّهُ يَقُولُ لِی:

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا دُفِنَ فِی أَرْضِكُمْ بَضْعَتِی وَ اسْتُحْفِظْتُمْ وَدِيعَتِی وَ غُيِّبَ فِی ثَرَاكُمْ نَجْمِی؟

فقال له الرضا علیه السلام: أَنَا الْمَدْفُونُ فِی أَرْضِكُمْ وَ أَنَا بَضْعَةٌ مِنْ نَبِيِّكُمْ وَ أَنَا الْوَدِيعَهُ وَ النَّجْمُ أَلَا فَمَنْ زَارَنِی وَ هُوَ يَعْرِفُ مَا

أَوْجَبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ حَقِّی وَ طَاعَتِی فَأَنَا وَ آبَائِی شُفَعَاؤُهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ مَنْ کُنَّا شُفَعَاءَهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ نَجَا وَ لَوْ کَانَ عَلَیْهِ مِثْلُ وِزْرِ الثَّقَلَیْنِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ.» [۲۸].

[صفحه ۵۰]

مردی خراسانی به امام رضا علیه السلام عرض نمود:

ای فرزند رسول خدا، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که به من فرمود:

«چگونه است حال شما آن هنگام که فردی از (خاندان) من در سرزمین شما دفن گردد و شما به حفظ این امانت من اهتمام نمایید و ستاره ی من در خاک شما پنهان گردد؟»

امام رضا علیه السلام فرمود:

«من هستم که در سرزمین شما دفن می گردم؛ من پاره ی تن پیامبر شما هستم؛ و منم آن امانت و ستاره، آگاه باشید کسی که

مرا زیارت کنـد، در حالی که بدانـد که خـدای تبارک و تعالی (ادای) حق و پیروی مرا واجب ساخته است، من و پـدرانم روز قیامت شـفیعان او خواهیم بود و کسـی که ما روز قیامت شـفیع او باشـیم (از آتش دوزخ) رهایی می یابـد، هر چنـد بار گناهان جن و انس بر او باشد.»

[صفحه ۵۱]

حدیث ۲۶

قال أبوالحسن موسی علیه السلام فی حدیث:

«مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِی عَلِیٍّ وَ بَاتَ عِنْدَهُ لَیْلَهً کَانَ کَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِی عَرْشِهِ.

قِیلَ: کَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِی عَرْشِهِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَهِ کَانَ عَلَی عَرْشِ الرحمن أَرْبَعَهٌ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ أَرْبَعَهٌ مِنَ الْآخِرِینَ

فَأَمَّا الْأَرْبَعَهُ الَّذِینَ هُمْ مِنَ الْأَوَّلِینَ- فَنُوحٌ وَ إِبْرَاهِیمُ وَ مُوسَی وَ عِیسَی علیه السلام وَ أَمَّا الْأَرْبَعَهُ مِنَ الْآخِرِینَ- فَمُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ علیهم السلام ثُمَّ یُمَدُّ الْمِضْمَارُ فَیَقْعُدُ مَعَنَا مَنْ زَارَ قُبُورَ الْأَئِمَّهِ علیهم السلام إِلَّا أَنَّ أَعْلَاهُمْ دَرَجَهً وَ أَقْرَبَهُمْ حَبْوَهً زُوَّارُ قَبْرِ وَلَدِی علیه السلام.» [۲۹].

[صفحه ۵۲]

امام موسی کاظم علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود:

«کسـی که قبر فرزنـدم علی علیه السـلام را زیارت کنـد و شبی را نزد او به سـر برد،ماننـد کسـی است که خداوند را در عرش زیارت کرده است.» راوی (از روی تعجب) گفت: مانند کسی که خدا را در عرش زیارت کرده است؟

حضرت فرمود:

«آری، چون روز قیـامت شود، چهـار نفر از پیشـینیان و چهار نفر از پیشـینیان بر عرش خـدای رحمان قرار می گیرنـد. چهار نفر پیشـینیان نوح و ابراهیم و موسـی وعیسـی علیهم السـلام هستند و چهار نفر پسینیان محمد و علی وحسن و حسین علیهم السلام؛ بعد از آن خوان طعام گسترده می شود و زائران قبور ائمه علیهم السلام به (گرد) آن می نشینند؛ بدانید

که (در میان زائران قبور ائمه علیهم السلام) مقام زائران قبر فرزندم از همه بلندتر و پر ارج تر است.»

[صفحه ۵۳]

حدیث ۲۷

عن أبی اصلت الهروی قال:

کُنْتُ عِنْدَ الرِّضَا علیه السلام فَدَخَلَ عَلَیْهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ قُمَّ فَسَلَّمُوا عَلَیْهِ فَرَدَّ عَلَیْهِمْ وَ قَرَّبَهُمْ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ:

«مَرْحَباً بِکُمْ وَ أَهْلًا فَأَنْتُمْ شِیعَتُنَا حَقّاً یَأْتِی عَلَیْکُمْ یَوْمٌ تَزُورُونَ فِیهِ تُرْبَتِی بِطُوسَ أَلَا فَمَنْ زَارَنِی وَ هُوَ عَلَی غُسْلٍ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ کَیَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّه » [۳۰].

اباصلت هروی گوید:

خدمت امام رضا علیه السلام بودم که گروهی از مردم قم وارد شدند و سلام نمودند. حضرت پاسخ آنها را فرمود و ایشان را نزدیک خویش جای داد. سپس فرمود:

«آفرین بر شما! شما شیعیان راستین ما هستید، زمانی بر شما فرا می رسد که خاک (قبر) مرا در طوس

[صفحه ۵۴]

[زیارت] می کنید، آگاه باشید کسی که مرا در حالی که غسل نموده باشد زیارت کند، از گناهانش پاک می شود، مانند روزی که از مادر زاییده شده است.»

[صفحه ۵۵]

حدیث ۲۸

عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الحسنی قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام:

قَدْ تَحَیَّرْتُ بَیْنَ زِیَارَهِ قَبْرِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ بَیْنَ زِیَارَهِ قَبْرِ أَبِیکَ علیه السلام بِطُوسَ فَمَا تَرَی فَقَالَ لِی مَکَانَکَ ثُمَّ دَخَلَ وَ خَرَجَ وَ دُمُوعُهُ تَسِیلُ عَلَی خَدَّیْهِ فَقَالَ زُوَّارُ قَبْرِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام کَثِیرُونَ وَ زُوَّارُ قَبْرِ أَبِی علیه السلام بِطُوسَ قَلِیلُون » [۳۱].

عبدالعظیم حسنی گوید:

به ابوجعفر (امام جواد علیه السلام) گفتم: من در تردیدم که به زیارت قبر اباعبدالله الحسین علیه السلام مشرف شوم یا به زیارت قبر پدرتان در طوس، نظر شما چیست؟ فرمود:

در جای خود باش» سپس (حضرت) وارد (خانه) شد و پس (از اندکی) بیرون آمد در حالی

[صفحه ۵۶]

پس (از اندکی) بیرون آمد در حالی که اشک از گونه هایش جاری بود، فرمود:

زائران اباعبدالله علیه السلام بسیارند و زائران قبر

پدرم در طوس اندک.» [۳۲].

[صفحه ۵۷]

حدیث ۲۹

عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِیُّ قَالَ:

سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ الرِّضَا علیه السلام یَقُولُ:

«مَا زَارَ أَبِی علیه السلام أَحَدٌ فَأَصَابَهُ أَذًی مِنْ مَطَرٍ أَوْ بَرْدٍ أَوْ حَرٍّ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَی النَّار.» [۳۳].

(حضرت) عبدالعظیم حسنی از امام محمد تقی علیه السلام نقل می کند که فرمود:

«کسی که به زیارت پدرم نائل شود و (در راه زیارت) به او آزاری مانند باران یا سرمایی یا گرمایی برسد، جز این نیست که خداوند پیکرش را بر آتش (دوزخ) حرام می نماید.»

[صفحه ۵۸]

حدیث ۳۰

عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ الْحَسَنِیِّ قَالَ:

سَمِعْتُ عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدِ الْعَسْکَرِیَّ علیه السلام یَقُولُ:

«أَهْلُ قُمَّ وَ أَهْلُ آبَهَ مَغْفُورٌ لَهُمْ لِزِیَارَتِهِمْ لِجَدِّی عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا علیهماالسلام بِطُوسَ أَلَا وَ مَنْ زَارَهُ فَأَصَابَهُ فِی طَرِیقِهِ قَطْرَهٌ مِنَ السَّمَاءِ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَی النَّار.» [۳۴].

(حضرت) عبدالعظیم حسنی گوید: از امام علی النقی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«مردم قم و آبه [۳۵].

به جهت زیارت جدم علی بن موسی الرضا علیهماالسلام در طوس گناهانشان آمرزیده شده. آگاه باشید کسی که آن حضرت را زیارت کند و در راه (زیارت) او قطره ای (باران) از آسمان بر او فرو بارد، خداوند پیکرش را بر آتش (دوزخ) حرام می کند.»

[صفحه ۵۹]

حدیث ۳۱

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَلْخٍ قَالَ:

«كُنْتُ مَعَ الرِّضَا علیه السلام فِی سَفَرِهِ إِلَی خُرَاسَانَ فَدَعَا یَوْماً بِمَائِدَهٍ لَهُ فَجَمَعَ عَلَیْهَا مَوَالِیَهُ مِنَ السُّودَانِ وَ غَیْرِهِمْ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ لَوْ عَزَلْتَ لِهَؤُلَاءِ مَائِدَهً فَقَالَ مَهْ إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی وَاحِدٌ وَ الْأُمَّ وَاحِدَهٌ وَ الْأَبَ وَاحِدٌ وَ الْجَزَاءَ بِالْأَعْمَالِ » [۳۶].

عبدالله بن الصلت از مردی از اهل بلخ نقل می کند که گفت:

«در طول مسیر مسافرت امام رضا علیه السلام به خراسان، من در خدمت ایشان بودم، روزی غذا طلبید و (پس از گستراندن سفره) غلامان سیاه خود دیگران را بر سر آن گرد آورد. گفتم: فدایت شود، بهتر بود که (سفره) غذای آنان را

[صفحه ۶۰]

جدا می نمودید. فرمود:

ساکت باش، پروردگار تبارک و تعالی یکی است، مادر یکی است، پدر یکی است و پاداش به کردار است.»

[صفحه ۶۱]

حدیث ۳۲

عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ سألت أباجعفر علیه السلام: مَا لِمَنْ زَارَ أباک بِخُرَاسَانَ؟

قال: «الْجَنَّهُ وَ اللَّهِ الْجَنَّهُ وَ اللَّه » [۳۷].

علی بن اسباط گوید:

از ابوجعفر (امام جواد) علیه السلام پرسیدم: کسی که پدرتان را در خراسان زیارت کند، چه (پاداشی) خواهد داشت؟ فرمود:

به خدا قسم بهشت، به خدا قسم بهشت.»

[صفحه ۶۲]

حدیث ۳۳

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

«سَتُدْفَنُ بَضْعَهٌ مِنِّی بِأَرْضِ خُرَاسَانَ لَا یَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ [عَزَّ وَ جَلَّ] لَهُ الْجَنَّهَ وَ حَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَی النَّار.» [۳۸].

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«به زودی پاره ی تن من در سرزمین خراسان دفن می شود که هیچ مؤمنی او را زیارت نمی کند، مگر این که خداوند بهشت را بر او واجب ساخته و پیکرش را بر (آتش) دوزخ حرام می سازد.»

[صفحه ۶۳]

حدیث ۳۴

قال الامام الجواد علیه السلام:

«ضَمِنْتُ لِمَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِی الرضا علیه السلام بِطُوسَ عَارِفاً بِحَقِّهِ الْجَنَّهَ عَلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَل » [۳۹].

امام جواد علیه السلام فرمود:

«کسی که قبر پدرم رضا علیه السلام را در طوس با شناخت حق او (به اینکه حضرتش امام واجب الاطاعه است) زیارت کند، من نزد خدای تعالی بهشت را برای او ضمانت می کنم.»

[صفحه ۶۴]

حدیث ۳۵

قال الرضا علیه السلام:

«مَا زَارَنِی أَحَدٌ مِنْ أَوْلِیَائِی عَارِفاً بِحَقِّی إِلَّا شُفِّعْتُ فِیهِ یَوْمَ الْقِیَامَه.» [۴۰].

امام رضا علیه السلام فرمود:

«هیچ یک از دوستانم مرا با آگاهی به حقم (که امام واجب الاطاعه هستم) زیارت نمی کند مگر این که روز قیامت او را شفاعت خواهم کرد.»

[صفحه ۶۵]

حدیث ۳۶

قال الرضا علیه السلام:

«مَنْ شَدَّ رَحْلَهُ إِلَی زِیَارَتِی اسْتُجِیبَ دُعَاؤُهُ وَ غُفِرَ لَهُ ذونبُه مَنْ زَارَنِی فِی تِلْکَ الْبُقْعَهِ کَانَ کَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ کَتَبَ اللَّهُ [تَعَالَی] لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حِجَّهٍ مَبْرُورَهٍ وَ أَلْفِ عُمْرَهٍ مَقْبُولَهٍ وَ کُنْتُ أَنَا وَ آبَائِی شُفَعَاءَهُ یَوْمَ الْقِیَامَه و هذه البقعه رَوْضَهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ و مختلف الملائکه، لَا یَزَالُ فَوْجٌ یَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ فَوْجٌ یَصْعَدُ إِلَی أَنْ یُنْفَخَ فِی الصُّورِ.» [۴۱].

امام رضا علیه السلام فرمود:

«کسی که بار سفر به سوی من بربندد دعایش مستجاب و گناهانش آمرزیده می شود، پس کسی که مرا در آن مکان زیارت کند، مانند کسی است که

[صفحه ۶۶]

رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد، خداوند برای او پاداش هزار حج و عمره ی پذیرفته شده می نویسد و من و پدرانم شفیعان او روز قیامت خواهیم بود؛ این بقعه بوستانی از بوستان های بهشت و محل رفت و آمد فرشتگان است؛ آن گونه که گروهی از آسمان فرو می آیند و گروهی بالا می روند، تا این که در صور دمیده شود.»

[صفحه ۶۷]

حدیث ۳۷

قال الامام موسی بن جعفر علیهماالسلام فی حدیث:

«وَ لَقَدْ رَأَیْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی الْمَنَامِ و أمیرالمؤمنین علیه السلام مَعَهُ ... ثُمَّ وَصَفَهُ لِی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ:

عَلِیٌّ ابْنُکَ الَّذِی یَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ وَ یَسْمَعُ بِتَفْهِیمِهِ وَ یَنْطِقُ بِحِکْمَتِهِ یُصِیبُ وَ لَا یُخْطِئُ وَ یَعْلَمُ وَ لَا یَجْهَلُ قَدْ مُلِئَ حِلْماً وَ عِلْماً ...» [۴۲].

امام موسی بن جعفر علیهماالسلام ضمن حدیثی فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را به همراه آن حضرت در خواب دیدم

... سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله وی (امام رضا علیه السلام) را برای من توصیف نمود و فرمود:

«علی پسر توست که نور خدا می بیند و به تفهیم الهی می شنود و بر

[صفحه ۶۸]

پایه ی حکمت او سخن می گوید، او راه راست می پوید و به خطا نمی رود، دانشمندی است که (علمش) به جهل نمی گراید و لبریز از بردباری و دانش گردیده است.»

[صفحه ۶۹]

حدیث ۳۸

قال رسول الله صلی الله علیه و آله فی حدیث فی فضائل الأئمه المعصومین علیهم السلام:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ ضَاحِكاً مُسْتَبْشِراً- فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا- علیه السلام ... فَهَؤُلَاءِ مَصَابِيحُ الدُّجَى وَ أَئِمَّةُ الْهُدَى وَ أَعْلَامُ التُّقَى- مَنْ أَحَبَّهُمْ وَ تَوَلَّاهُمْ كُنْتُ ضَامِناً لَهُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْجَنَّةِ» [۴۳].

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی در بیان فضائل یکایک ائمه معصومین علیهم السلام فرمود:

«کسی که دوست بدارد خندان، خداوند را ملاقات کند، باید محبت و ولایت علی بن موسی الرضا علیهماالسلام را داشته باشد ... اینان (ائمه اطهار علیهم السلام) چراغهای تاریکی و امامان هدایتگر و

[صفحه ۷۰]

نشانه های تقوا هستند، کسی که ایشان را دوست بدارد و بهره مند از ولایت آنان گردد، من نزد خدای تعالی بهشت را برای او ضمانت می کنم.»

[صفحه ۷۱]

حدیث ۳۹

قَالَ يَعْقُوبُ بْنُ إِسْحَاقَ النَّوْبَخْتِيُّ:

مَرَّ رَجُلٌ بِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام فَقَالَ لَهُ:

أَعْطِنِي عَلَى قَدْرِ مُرُوَّتِكَ.

قَالَ: لَا يَسَعُنِي ذَلِكَ.

فَقَالَ: عَلَى قَدْرِ مُرُوَّتِی.

قَالَ: أَمَّا إِذاً فَنَعَمْ.

ثُمَّ قَالَ: یَا غُلَامُ أَعْطِهِ مِائَتَیْ دِینَارٍ.» [۴۴].

یعقوب بن اسحاق نوبختی گوید:

«مردی خدمت امام رضا علیه السلام آمد و عرض کرد: به من به اندازه ی جوانمردیت بخشش نما.

فرمود: نمی توانم چنان کنم.

گفت: (پس) به اندازه ی جوانمردی من بخشش نما.

فرمود: اکنون می توانم.

سپس فرمود: ای غلام به او دویست دینار بده.»

حدیث ۴۰

قال ابراهیم بن العباس: «

مَا رَأَیْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام

جَفَا أَحَداً بِکَلِمَهٍ قَطُّ وَ لَا رَأَیْتُهُ قَطَعَ عَلَی أَحَدٍ کَلَامَهُ حَتَّی یَفْرُغَ مِنْهُ وَ مَا رَدَّ أَحَداً عَنْ حَاجَهٍ یَقْدِرُ عَلَیْهَا وَ لَا مَدَّ رِجْلَهُ بَیْنَ یَدَیْ جَلِیسٍ لَهُ قَطُّ وَ لَا رَأَیْتُهُ شَتَمَ أَحَداً مِنْ مَوَالِیهِ وَ مَمَالِیکِهِ قَطُّ وَ لَا رَأَیْتُهُ تَفَلَ وَ لَا رَأَیْتُهُ یُقَهْقِهُ فِی ضَحِکِهِ قَطُّ بَلْ کَانَ ضَحِکُهُ التَّبَسُّمُ وَ کَانَ إِذَا خَلَا وَ نَصَبَ مَائِدَتَهُ أَجْلَسَ مَعَهُ عَلَی مَائِدَتِهِ مَمَالِیکَهُ وَ مَوَالِیَهُ حَتَّی الْبَوَّابَ السَّائِسَ وَ کَانَ علیه السلام قَلِیلَ النَّوْمِ بِاللَّیْلِ کَثِیرَ السَّهَرِ یُحْیِی أَکْثَرَ لَیَالِیهِ مِنْ أَوَّلِهَا إِلَی الصُّبْحِ وَ کَانَ کَثِیرَ الصِّیَامِ فَلَا یَفُوتُهُ صِیَامُ ثَلَاثَهِ أَیَّامٍ فِی الشَّهْرِ وَ یَقُولُ ذَلِکَ

صَوْمُ الدَّهْرِ وَ کَانَ علیه السلام کَثِیرَ الْمَعْرُوفِ وَ الصَّدَقَهِ فِی السِّرِّ وَ أَکْثَرُ ذَلِکَ یَکُونُ مِنْهُ فِی اللَّیَالِی الْمُظْلِمَهِ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ رَأَی مِثْلَهُ فِی فَضْلِهِ فَلَا تُصَدِّقْ.» [۴۵].

ابراهیم بن عباس گوید:

«ندیدم که هرگز ابوالحسن الرضا علیه السلام با سخنی به کسی ستمی روا دارد و ندیدم که سخن کسی را قطع کند تا اینکه کلامش را به پایان برد و نه آن که از برآوردن حاجت نیازمندی سرباز زند. او هرگز

در برابر همنشینی نه پایش را دراز می کرد و نه به چیزی تکیه می داد. همچنان که ندیدم یکی از زیردستان و زیر خریدانش را هرگز دشنام دهد و ندیدم که آب دهان (بر زمین) اندازد و صدا به خنده بلند سازد، بلکه خنده اش به صورت تبسم بود. چون در خلوت خانه سفره ی غذا می گستراندند، زیردستان و غلامانش

[صفحه ۷۴]

و حتی مأمور اصطبل را همراه خود بر سر سفره می نشاند. آن حضرت کم خواب و بسیار شب زنده دار بود، اکثر شبها را از ابتدا تا صبح به عبادت می گذراند، بسیار روزه می داشت و روزه ی سه روزه [۴۶]. را از دست نمی داد و می فرمود:

این (روزه ی این سه روز معادل) روزه ی یک عمر است؛ کار نیکو بسیار می کرد و صدقه ی نهانی بسیار می داد، که البته اکثر اینها در شبهای تار بود؛ پس اگر کسی پندارد که کسی را در فضیلت همتای او دیده است، تو باور مکن.»

پاورقی

[۱] بحارالانوار، ۵۳ / ۱۰۳.

[۲] بحارالانوار، ۱۲۳ / ۴۹.

[۳] وسائل الشیعه، ۴۳۸ / ۱۰.

[۴] وسائل الشیعه، ۴۳۷ / ۱۰.

[۵] وسائل الشیعه، ۴۳۳ / ۱۰.

[۶] بحارالانوار: ۲۸۴ - ۲۸۳ / ۴۹».

[۷] وسائل الشیعه، ۴۴۷ / ۱۰.

[۸] وسائل الشیعه، ۴۳۹/۲.

[۹] بحارالانوار، ۳۶/۱۰۲.

[۱۰] بحارالانوار، ۱۰۰/۴۹.

[۱۱] الکافی، ۵۸۴/۴.

[۱۲] اثبات الهداه، ۲۷۸/۳.

[۱۳] اثبات الهداه، ۲۳۲/۳.

[۱۴] اثبات الهداه،۲۳۳/۳.

[۱۵] اثبات الهداه، ۲۳۴/۳.

[۱۶] بحارالانوار، ۴/۴۹.

[۱۷] بحارالانوار، ۱۵-۱۴/۴۹.

[۱۸] بحارالانوار، ۱۵/۴۹.

[۱۹] بحارالانوار، ۱۷/۴۹.

[۲۰] بحارالانوار، ۲۱-۲۰/۴۹.

[۲۱] عوالم العلوم، ۵۸/۲۲.

[۲۲] عوالم العلوم، ۱۸۰-۱۷۹/۲۲.

[۲۳] اثبات الهداه، ۲۲۹/۳.

[۲۴] الکافی، ۳۱۲-۳۱۱/۱.

[۲۵] جفر کتابی است که اختصاصاً در اختیار ائمه اطهار سلام الله علیها است و در آن تمامی علوم و دانشها اعم از احکام حلال و حرام و نیز تمامی کتب و علوم پیامبران پیشین در آن

وجود دارد.

[۲۶] بحارالانوار، ۲۸۶/۴۹.

[۲۷] اعلام الوری / ۳۱۶.

[۲۸] بحارالانوار، ۳۲ / ۱۰۲.

[۲۹] وسائل الشیعه / ۴۴۳ / ۱۰.

[۳۰] وسائل الشیعه، ۴۴۶ / ۱۰.

[۳۱] وسائل الشیعه، ۴۴۲ / ۱۰.

[۳۲] درباره ی برتر بودن زیارت حضرت رضا علیه السلام به زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و نیز اندک بودن زائران ثامن الائمه علیه السلام تعلیل هایی شده است که بسا مهمترین آنها این باشد که زائران امام رضا علیه السلام شیعه اثنی عشری هستند، در حالی که قبر اباعبدالله الحسین (ع) را همه فرقه های شیعه زیارت می کنند.

ر. ک. بحارالانوار، ۳۹ / ۱۰۲.

[۳۳] وسائل الشیعه، ۴۳۹ / ۱۰.

[۳۴] عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۲۶۰ / ۲.

[۳۵] آبه از روستاهای ساوه است.

[۳۶] بحارالانوار، ۱۰۱ / ۴۹.

[۳۷] وسائل الشیعه، ۴۳۷ / ۱۰.

[۳۸] الوافی، ۱۵۵۱ / ۱۴.

[۳۹] وسائل الشیعه، ۴۳۷ / ۱۰.

[۴۰] وسائل الشیعه، ۴۳۴ / ۱۰.

[۴۱] بحارالانوار، ۴۴/ ۱۰۲.

[۴۲] بحارالانوار، ۱۱ – ۱۲/ ۴۹.

[۴۳] بحارالانوار، ۲۹۶ / ۳۶.

[۴۴] بحارالانوار، ۱۰۰ / ۴۹.

[۴۵] عیون اخبار الرضا، ۱۸۴ / ۲.

[۴۶] مقصود پنجشنبه اول و آخر ماه و چهارشنبه ی میان ماه می باشد.

ر. ک. منتهی الآمال، ۴۶۲ / ۲.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹